هو السمیع المجیب

متن کامل دعای کمیل

به همراه ترجمه فارسی و فایل صوتی

بِسْمِ اللَهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ

اللَهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

خداوندا، از تو مسئلت دارم، به‌حقّ رحمتت که همه‌چیز را فرا گرفته است

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ

و به نیرویت که با آن تمام موجودات را مقهور خویش ساختی

وَخَضَعَ لَها كُلُّ شَيْءٍ

و همه‌چیز در برابر آن سرِ تسلیم فرود آورده است

وَذَلَّ لَها كُلُّ شَيْءٍ

و در مقابل آن هر چیزی ذلیل و خوار گشته است

وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ

و به جَبَروتَت که با آن بر همه‌چیز چیره گشتی

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَايَقُومُ لَها شَيْءٌ

و به عزّتت که چیزی در برابرش تاب نیاورَد

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ

و به عظمت و بزرگی‌ات که همه‌چیز را پُر کرده است

وَبِسُلْطانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به پادشاهی‌ات که بر همه‌چیز برتری یافته

وَبِوَجْهِكَ الْباقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

و به وَجه و سیمای تو که پس از نابودیِ همه‌چیز، باقی خواهد بود

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و به اسماء تو که ارکان هستی‌اند و همه‌چیز را پُر کرده است

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

و به عِلمت که بر همه‌چیز احاطه نموده

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

و به نور وَجهَت که هر چیزی به‌وسیلهٔ آن، تابنده شده است

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ

ای نور، و ای همه قِداست و پاکی

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ

ای ابتدای هر آغاز، و ای فرجامِ هر پایان

اللَهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ

خداوندا، بر من ببخش گناهانی را که پردهٔ عصمت را پاره می‌کند

اللَهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ

خداوندا، بر من ببخش گناهانی را که بلا و کیفرها را فرو می‌آورد

اللَهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ

خداوندا، بر من ببخش گناهانی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد

اللَهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

خداوندا، بر من ببخش گناهانی را که دعا را [از اجابت] بازمی‌دارد

اللَهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ

خداوندا، بر من ببخش گناهانی را که بلا نازل می‌کند

اللَهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

خداوندا، هر گناهی را که مرتکب شده‌ام، بر من ببخش

وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُها

و هر خطایی را که از من سر زده است، ببخش

اللَهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ

خدایا، من با یاد تو، به‌سویت تقرّب می‌جویم

وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ

و تو را برای خودت شفیع می‌آورم

وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ

و به‌حقّ بخشندگی‌ات، از تو می‌خواهم که مرا به خودت نزدیک گردانی

وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ

و شکرگزاری‌ات را روزی‌ام سازی

وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و یادت را به من الهام فرمایی

اللَهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ

خدایا، از تو درخواست می‌کنم، درخواستِ بنده‌ای فروتن، ذلیل و خاکسار

أَنْ تُسامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

که بر من آسان گیری و رحم نمایی

وَتَجْعَلَنِي بِقَسْمِكَ رَاضِياً قانِعاً

و مرا به آنچه روزی‌ام نموده‌ای راضی و قانع سازی

وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَواضِعاً

و در هر حالی فروتن گردانی

اللَهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم، درخواستِ بنده‌ای که تنگدستی و نیازش شدید شده است

وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدائِدِ حَاجَتَهُ

و به‌هنگامِ سختی‌ها، حاجتِ خود را به آستان تو آورده

وَعَظُمَ فِيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ

و رغبتش به آنچه نزد توست، زیاد شده است

اللَهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ

خداوندا، سلطنت و فرمانروایی‌ات بزرگ است

وَعَلَا مَكَانُكَ

و مقامَت بسیار بلند است

وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ

و مَکرَت پنهان است و اَمرت آشکار

وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ

و قهّاریتَت غالب است و قدرتَت نافذ

وَلَا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

و گریز از قلمروی حکومتَت ممکن نیست

اللَهُمَّ لَاأَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِراً

بارالها، جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهانم را بیامرزد

وَلَا لِقَبائِحِي سَاتِراً

و جز تو کسی را نمی‌یابم که زشتی‌هایم را بپوشاند

وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ

و جز تو کسی را نمی‌یابم که کار ناپسندم را به زیبایی تبدیل نماید

لَاإِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

جز تو معبودی نیست! پاک و منزّهی، و این تسبیح همراه با حمد و ستایش توست

ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي

من به خود ستم روا داشتم، و به‌خاطر نادانی، گستاخی کردم

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ

اما خاطرآسوده‌ام که همیشه به یاد من بودی و بر من لطف و احسان می‌فرمودی

اللَهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ

ای خدا و ای مولای من، چه بسیار زشتی‌ها که بر من پوشاندی

وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ

و چه بسیار بلاهای سنگین و بزرگی که از من دفع کردی

وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ

و چه بسیار لغزش‌ها که مرا از آن‌ها حفظ کردی

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ

و چه بسیار امور ناخوشایندی که از من دور ساختی

وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ

و چه بسیار تمجیدهای نیکی که سزاوار آن نبوده‌ام، ولی تو بر سر زبان‌ها انداختی!

اللَهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي

خداوندا، بلا و گرفتاری‌ام شدید شده

وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حالِي

و بدحالی‌ام از حد گذشته

وَقَصُرَتْ بِي أَعْمالِي

و کردارم [در رساندن من به هدف] نارسا گشته

وَقَعَدَتْ بِي أَغْلاِلِي

و زنجیرها[ی تعلّقات] مرا زمین‌گیر کرده

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ أَمَلِي

و آرزوی دور و دراز، مرا از رسیدن به منفعتم باز داشته است

وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيا بِغُرُورِها

و دنیا با فریبندگی‌اش مرا فریفته است

وَنَفْسِي بِجِنايَتِها وَمِطالِي

و نفسم با جنایت و امروز و فردا کردنش، مرا فریب داده است

يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَايَحْجُبَ عَنْكَ دُعائِي سُوءُ عَمَلِي وَفِعالِي

پس ای آقای من، به عزّتت قسم، از تو می‌خواهم که بدیِ کردارم، مانعِ [پذیرش] دعای من از درگاه تو نشود

وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي

و مرا با آنچه از اسرار نهانم می‌دانی رسوا مسازی

وَلَا تُعاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَواتِي

و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام داده‌ام، شتاب نکنی

مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِساءَتِي

از زشتی کردار و بدیِ رفتارم

وَدَوامِ تَفْرِيطِي وَجَهالَتِي

و مداومت در کوتاهی و جهالتم

وَكَثْرَةِ شَهَواتِي وَغَفْلَتِي

و بسیاریِ شهوت‌ها و غفلتم

وَكُنِ اللَهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوالِ رَؤُوفاً

خدایا، به عزّتت سوگند که در همهٔ احوال با من رئوف و مهربان باش!

وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً

و در همهٔ امور بر من باعُطوفت باش

إِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ

ای خدا و پروردگار من، به‌جز تو چه کسی را دارم؟!

أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

که از او بخواهم گرفتاری‌ام را برطرف کند و در کار من نظر [لطف] بیندازد

إِلٰهِي وَمَوْلايَ

ای خدا و ای مولای من

أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوى نَفْسِي

حُکمی را بر من جاری ساختی که در آن از هوای نفسم پیروی کردم

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي

و مواظب دشمنم (شیطان) نبودم که [اعمال زشتم را] زینت می‌داد

فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوى

پس او هم مرا به خواهش‌های دلم فریب داد

وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذٰلِكَ الْقَضاءُ

و تقدیر نیز او را در این امر یاری نمود

فَتَجاوَزْتُ بِما جَرى عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ

و به‌سببِ این مسائل، از بعضی از حدّ و مرزهای تو تجاوز کردم

وَخالَفْتُ بَعْضَ أَوامِرِكَ

و با بعضی از دستورات تو مخالفت نمودم

فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ

پس در همهٔ آن مسائل، تو علیه من حجت داری

وَلَا حُجَّةَ لِي فِيما جَرى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ

و در آنچه قضای تو بر آن تعلّق گرفته، من حجتی ندارم

وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَبَلاؤُكَ

و حُکم و آزمایش تو مرا به آن مقیّد کرده است

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلٰهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرافِي عَلى نَفْسِي

اینک ای خدای من، بعد از کوتاهی‌ام، و ستمی که بر جانِ خویش انجام دادم، به پیشگاه تو آمده‌ام

مُعْتَذِراً نادِماً

در حالی‌که عذرخواه و پیشمانم

مُنْكَسِراً مُسْتَقِيلاً

و شکسته‌دل و طالبِ بخشش هستم

مُسْتَغْفِراً مُنِيباً

و استغفار کننده و بازگشت‌کننده‌ام

مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً

و [به گناه خویش] اقرار و اذعان دارم و اعتراف می‌کنم

لَاأَجِدُ مَفَرّاً مِمَّا كَانَ مِنّي

و از آنچه از من سر زده، راه نجاتی نمی‌یابم

وَلَا مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

و برای مشکلم پناهگاهی نمی‌یابم که به آن پناه بَرَم

غَيْرَ قَبُولِ لِكَ عُذْرِي وَإِدْخالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ

جز اینکه عذرم را بپذیری و مرا در رحمت گستردهٔ خود وارد کنی

اللَهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي

پس خداوندا، عذرم را بپذیر

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي

و بر بیچارگی بسیارم ترحّم فرما

وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثاقِي

و مرا از بندهای سختم بِرَهان

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي

ای پروردگار من، بر ناتوانی جسمم رحم کن

وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي

و بر نازکیِ پوستم و نرمیِ استخوانم ترحّم فرما

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي

ای کسی که در ابتدا مرا آفریدی و به یاد من بودی

وَتَرْبِيَتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَتِي

و [از همان زمان] عهده‌دار تربیت و نیکی و تغذیهٔ من بودی

هَبْنِي لِابْتِداءِ كَرَمِكَ وَسالِفِ بِرِّكَ بِي

حال، به همان سابقهٔ کرم و احسانِ گذشته، مرا ببخش

يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي

ای معبود و آقا و پروردگار من!

أَتُراكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ

آیا این‌گونه می‌بینی که مرا باوجود اقرار به یگانگی‌ات، به آتشَت عذاب می‌کنی؟!

وَبَعْدَ مَا انْطَوى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ

و پس از آنکه دلم از شناختِ تو روشنی یافته است مرا می‌سوزانی؟!

وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ

و باوجود آنکه زبانم به ذکر تو گویا شده...

وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ

و با اینکه نهاد من با محبّت تو گره خورده...

وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ

و بعد از آنکه صادقانه اعتراف کرده‌ام و تو را خوانده‌ام و در برابر ربوبیّتت خاضع بوده‌ام، مرا عذاب نمایی؟!

هَيْهاتَ

هیهات! بسیار بعید است!

أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ

تو بزرگوارتر از آنی که کسی را که خودت پرورده‌ای، تباه کنی!

أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ

یا کسی را که به خود نزدیک کرده‌ای، دور نمایی

أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ

یا آن را که خود پناهش دادی، از خود برانی

أَوْ تُسَلِّمَ إِلَي الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

یا کسی را که خود مورد حمایت و رحمتت قرار داده‌ای، به امواج بلا واگذاری

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلٰهِي وَمَوْلايَ

ای آقا و معبود و مولای من!

ای کاش می‌دانستم...

أَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً

... که آیا بر صورت‌هایی که در برابر عظمتت بر خاک به سجده افتاده‌اند، آتش را مسلط می‌کنی؟!

وَعَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً

و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی‌ات گویا گشته‌اند و در شکرگزاری تو را ستوده‌اند؟!

وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً

و بر آن دل‌هایی که واقعاً به خداوندی‌ات اعتراف نموده‌اند؟!

وَعَلَى ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً

و بر آن جان‌هایی که سرشار از معرفتِ تو شده‌اند، تا آنجا که در برابرت فروتن گشته‌اند؟!

وَعَلَى جَوارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَأَشارَتْ بِاسْتِغْفارِكَ مُذْعِنَةً

و بر اعضا و جوارحی که مشتاقانه به‌سوی عبادت‌گاه‌های تو شتافته‌اند و با اعتراف از تو آمرزش طلبیده‌اند؟! [آیا همهٔ این‌ها را می‌سوزانی؟!]

مَا هٰكَذَا الظَّنُّ بِكَ

هرگز به تو چنین گمانی نداریم!

وَلَا أَخْبَرْنا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

و از فضل تو به ما چنین خبر نداده‌اند!

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ

ای خدای سخاوتمند؛ ای پروردگار!

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا وَعُقُوباتِها

درحالی‌که تو خود از ناتوانیِ من در برابر کمی از بلای دنیا و کیفرهای آن، خبر داری!

وَمَا يَجْرِي فِيها مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِها

و ضعفِ مرا در برابرِ سختی‌هایی که در زندگی دنیا به مردم می‌رسد، می‌دانی!

عَلى أَنَّ ذٰلِكَ بَلاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ يَسِيرٌ بَقاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ

با آنکه بلاهای دنیا درنگش کم، ماندگاری‌اش ناچیز و مدتش کوتاه است

فَكَيْفَ احْتِمالِي لِبَلاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيها؟

پس چگونه خواهد بود تحمّلم در برابر بلای آخرت و ناملایمات عظیم آن؟!

وَهُوَبَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقامُهُ

در صورتی‌که آن بلایی است که مدّتش طولانی و درنگش دائمی است

وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

و این عذاب برای اهل آن هیچ تخفیفی نخواهد داشت

لِأَنَّهُ لَايَكُونُ إِلّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ

چراکه از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه گرفته است

وَهٰذا ما لَاتَقُومُ لَهُ السَّماواتُ وَالْأَرْضُ

و این چیزی است که آسمان‌ها و زمین تاب تحمل آن را ندارند

يَا سَيِّدِي

ای آقای من!

فَكَيْفَ لِي

پس من چگونه در برابر آن تاب آورم؟!

وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

در حالی‌که من بندهٔ ناتوان و خوار و حقیر و بی‌نوا و درماندهٔ تو هستم!

يا إِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ

ای خدا و پروردگار و آقا و مولای من!

لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو؟!

از کدامین گرفتاری‌ام به درگاه تو شکوه کنم؟!

وَلِمَا مِنْها أَضِجُّ وَأَبْكِي؟!

برای کدام گرفتاری‌ام به درگاهت بنالم و گریه کنم؟!

لِأَلِيمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ؟!

از دردناک‌بودنِ عذاب و سختیِ آن؟!

أَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ؟!

یا از طولانی‌بودنِ بلا و درازیِ مدت آن؟!

فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدائِكَ

پس اگر مرا در کیفرها با دشمنانت قرار دهی...

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ

و اگر مرا با اهل بلایَت در یک جا گردآوری...

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيائِكَ

و اگر میان من و دوستان و اولیایت جدایی افکنی...

فَهَبْنِي يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ وَرَبِّي

پس ای خدا و آقا و مولا و پروردگار من!

صَبَرْتُ عَلَى عَذابِكَ

گیرم که بر عذابت صبر کنم!

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِراقِكَ؟!

ولی چگونه بر فراق تو شکیبا باشم؟!

وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلى حَرِّ نَارِكَ؟!

و گیرم که گرمای سوزانِ آتش را تحمل کنم!

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرامَتِكَ؟!

اما چگونه تاب آورم که چشم امید به بزرگی‌ات نیندازم؟

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجائِي عَفْوُكَ؟!

یا چگونه در آتش جهنم ساکن شوم و حال آنکه

امید من به بخششِ توست؟!

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلايَ

پس ای آقا و مولای من!

أُقْسِمُ صَادِقاً

سوگندِ راست می‌خورم

لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقاً

که اگر زبانم را باز بگذاری

لَأَضِجَّنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِها ضَجِيجَ الْآمِلِينَ

واقعاً در میان اهل جهنّم مانند آرزومندان، به پیشگاهِ تو ناله سرمی‌دهم

وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُراخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

و همچون فریادخواهان به درگاهِ تو فریاد برآورَم

وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ

و مانند آنان که عزیزی از دست داده‌اند، از فراق تو بگریم

وَلَأُنادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

و تو را صدا می‌زنم که «کجایی ای پشت‌وپناهِ مؤمنان؟!»

يَا غَايَةَ آمالِ الْعارِفِينَ

ای نهایتِ آرزوی عارفان!

يَا غِياثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

ای فریادرسِ فریادخواهان!

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

ای محبوبِ دل‌های صادقان!

وَيَا إِلٰهَ الْعالَمِينَ

و ای معبود جهانیان

أَفَتُراكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلٰهِي وَبِحَمْدِكَ

ای معبود من که تو را می‌ستایم...

تَسْمَعُ فِيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

پس با تمام این‌ها، آیا این‌گونه می‌بینی که صدای بندهٔ مسلمانی را بشنوی...

سُجِنَ فِيها بِمُخالَفَتِهِ

... که به‌خاطر نافرمانی‌اش در دوزخ زندانی شده‌است؟!

وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ

و به کیفرِ گناهش، طعم عذاب جهنم را می‌چشد

وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

و به‌خاطرِ جرم و گناهش، در میان طبقات دوزخ حبس شده است

وَهُوَيَضِجُّ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ

و او همچون امیدوارانِ به رحمتت، به درگاهت ناله می‌زند

وَيُنادِيكَ بِلِسانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ

و با زبان اهل توحیدت تو را می‌خواند

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ؟!

و به پیشگاه تو، به ربوبیّت خودت متوسّل شده و چنگ می‌زند

يَا مَوْلايَ

ای سَرور من!

فَكَيْفَ يَبْقى فِي الْعَذابِ وَهُوَيَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ؟!

پس چگونه در عذاب ماندگار می‌شود، در حالی که به سابقهٔ بردباریِ تو امید دارد؟!

أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَيَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ؟!

یا چگونه آتش او را آزار دهد، در حالی که فضل و رحمتِ تو را آرزو دارد؟!

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيبُها وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرى مَكانَهُ؟!

یا چگونه زبانه‌های آتش، او را بسوزاند، در حالی که تو صدای [نالهٔ] او را می‌شنوی و جایگاه او را می‌بینی؟!

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُها وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟!

یا چگونه دَمِ سوزانِ آتش، او را فرا گیرد، و حال آنکه تو از ناتوانی‌اش خبر داری؟!

أَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ أَطْباقِها وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟!

یا چگونه بین طبقاتِ دوزخ به این سو و آن سو

رود، در حالی که تو از صدق ادعای او آگاهی؟!

أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَهُوَيُنادِيكَ يَا رَبَّاهُ؟!

یا چگونه دوزخبانان او را برانند، و حال آنکه ندای «یا ربّ» او بلند است؟!

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فِيها؟!

یا چگونه ممکن است برای رهایی‌اش از دوزخ به فضلِ تو امید داشته باشد و تو او را در آنجا به حال خود واگذاری؟!

هَيْهاتَ ما ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ

هیهات که چنین نیست و به تو چنین گمانی نمی‌رود!

وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ

و این چیزی نیست که از فضل تو شناخته شده باشد

وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسانِكَ

و این با رفتاری که از نیکی و احسانت با موحّدین داشته‌ای، شباهتی ندارد

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ

بنابراین من یقین دارم اگر به عذاب منکران حکم

نکرده بودی

وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلادِ مُعانِدِيكَ

و قضای حتمی تو بر جاودانگیِ عذابِ معاندان

تعلّق نگرفته بود

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّها بَرْداً وَسَلاماً

همهٔ آتش دوزخ را سرد و سلامت می‌گردانیدی

وَمَا كانَ لِأَحَدٍ فِيها مَقَرّاً وَلَا مُقاماً

و برای هیچ‌کس در جهنم منزل و جایگاهی

وجود نداشت

لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُكَ

اما تو ای خدایی که نام‌هایت مقدس است

أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَها مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از همهٔ کافرانِ

جن و انس پُر کنی

وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعانِدِينَ

و معاندان و ستیزه‌جویان را در آن تا ابد ماندگار

سازی

وَأَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً

و هم تو که ثنایت پُرشکوه باد، پیشاپیش فرمودی

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعامِ مُتَكَرِّماً:

و به این اِنعام از روی بزرگواری تفضّل نمودی

[که فرمودی] :

﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ۚ لَا يَسْتَوُونَ﴾

﴿آیا آن کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟! [هرگز چنین نیست] یکسان نیستند!﴾

إِلٰهِي وَسَيِّدِي

ای معبود و آقای من

فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَها

پس از تو درخواست می‌کنم به‌حقّ آن قدرتی که مقدّر کردی

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَها وَحَكَمْتَها

و به‌حق آن قضایی که آن را حتمی و قطعی نمودی

وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرَيْتَها

و بر آن کس که قضایت را در حق او جاری کردی، غلبه پیدا کردی

أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ

[می‌خواهم] که در این شب و در این ساعت، بر من ببخشی

كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ

هر جرمی را که انجام داده‌ام

وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

و هر گناهی را که مرتکب شده‌ام

وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ

و هر زشتی‌ای را که پنهان داشته‌ام

وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ

و هر نادانی‌ای را که به کار گرفته‌ام

كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ

چه آن را پنهان داشتم یا اینکه آشکار نمودم

أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ

چه مخفی داشتم و چه عیان ساختم

وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ بِإِثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبِينَ

و [بر من ببخش] هر کار ناپسندی را که به فرشتگان ارجمندت امر نمودی تا آن را ثبت کنند

الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

کسانی که آنها را گماشتی تا هرچه را از من سر می‌زند، ثبت نمایند

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوارِحِي

و آن‌ها را به‌همراهِ اعضای بدنم، علیه من گواه قرار دادی

وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرائِهِمْ

و از پسِ آنان نیز تو خود ناظرِ [احوال] من بودی

وَالشَّاهِدَ لِما خَفِيَ عَنْهُمْ

چیزهایی را شاهد بودی که از ایشان نیز پنهان مانده بود!

وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ

اما تو به رحمت خویش آن‌ها را مخفی نگه داشتی

وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

و به فضل خود پوشاندی

وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ

و [از تو می‌خواهم] از هر خیری که فرو فرستاده‌ای، نصیب مرا فراوان گردانی

أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَه

یا از هر احسانی که [بر بندگان] تفضّل نموده‌ای

أَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ

یا از هر نیکی‌ای که پراکنده ساخته‌ای

أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ

یا از هر روزی‌ای که گسترده‌ای

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ

یا از هر گناهی که می‌آمرزی

أَوْ خَطَأً تَسْتُرُهُ

یا هر خطایی که می‌پوشانی

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ وَمالِكَ رِقِّي

ای معبود و آقای من، و ای سَرور و

صاحب‌اختیار من!

يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي

ای آنکه زمام امور من به‌دستِ اوست

يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكَنَتِي

ای دانا به بیچارگی و بی‌نواییِ من

يَا خَبِيراً بِفَقْرِي وَفاقَتِي

ای آگاه از فقر و تهی‌دستی من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ

به حقّ خودت، و به ذات مقدّسَت

وَأَعْظَمِ صِفاتِكَ وَأَسْمائِكَ

و به حقّ عظیم‌ترین صفات و اسامی‌ات درخواست می‌کنم

أَنْ تَجْعَلَ أَوْقاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً

که اوقاتِ شب و روز مرا با یاد خودت آباد گردانی

وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً

و پیوسته در خدمت‌گزاری خودت قرار دهی

وَأَعْمالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً

و اعمالم را مقبول درگاهت بگردانی

حَتَّى تَكُونَ أَعْمالِي وَأَوْرادِي كُلُّها وِرْداً وَاحِداً

تا اعمال و اوراد من همه، یک‌جا و یک‌جهت [برای تو] باشد

وَحالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً

و حالم تا ابد پیوسته در خدمت تو باشد

يَا سَيِّدِي

ای آقای من

يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي

ای آن که تکیهٔ من بر اوست

يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكَوْتُ أَحْوالِي

ای آن که شکایتِ حالم را فقط به‌سوی او می‌برم

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

قَوِّ عَلى خِدْمَتِكَ جَوارِحِي

اعضای تنم را در خدمت به خودت نیرومند کن

وَاشْدُدْ عَلَي الْعَزِيمَةِ جَوانِحِي

و دلم را بر عزم و همّت استوار ساز

وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ

و جدّیّت در ترس از خودت را به من عنایت فرما

وَالدَّوامَ فِي الاتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ

و همیشه مرا در خدمتِ خودت قرار بده

حَتّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيادِينِ السَّابِقِينَ

تا در عرصهٔ پیشتازان به‌سویت روان باشم

وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي البَارِزِينَ

و در زمرهٔ پیشگامان به‌سمت تو بشتابم

وَأَشْتاقَ إِلى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ

و در جملهٔ مشتاقان به قُرب تو اشتیاق بورزم

وَأَدْنُوَمِنْكَ دُنُوَالْمُخْلِصِينَ

و مانند مخلَصین و رهایی‌یافتگان به تو نزدیک شوم

وَأَخافَكَ مَخافَةَ الْمُوقِنِينَ

و مثل اهل یقین از تو بترسم

وَأَجْتَمِعَ فِي جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

و با مؤمنان در جوار تو گرد آیم

اللَهُمَّ وَمَنْ أَرادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ

خداوندا، هر کس شرّ مرا بخواهد، بدش را بخواه

وَمَنْ كادَنِي فَكِدْهُ

و هر کس با من حیله ورزد، با او حیله بورز

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ

و مرا از بهره‌مندترین بندگان در نزد خودت قرار بده

وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ

و از مقرّب‌ترین آن‌ها در پیشگاهت قرار بده

وَأَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ

و از مخصوص‌ترینِ خاصّان درگاهت قرار بده

فَإِنَّهُ لَايُنالُ ذٰلِكَ إِلّا بِفَضْلِكَ

زیرا جز با فضل تو به این [جایگاه]ها نمی‌توان دست یافت

وَجُدْ لِي بِجُودِكَ

و با جود و بخششَت به من ببخش

وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ

و با مَجد و بزرگی‌ات به من توجّه کن

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و به رحمت خویش مرا حفظ فرما

وَاجْعَلْ لِسانِي بِذِكْرِكَ لَهِجاً

و ذکر خود را ورد زبانم ساز

وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً

و قلبم را با محبّتت واِله و شیدا گردان

وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجابَتِكَ

و با اِجابت نیکویَت، بر من منّت بگذار

وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي

و لغزشم را نادیده گیر

وَاغْفِرْ زَلَّتِي

خطایم را ببخش

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلى عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ

چرا که تو خود بر بندگان، به پرستشِ خویش حکم نمودی

وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعائِكَ

و فرمان دادی تا تو را بخوانند

وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجابَةَ

و خود نیز اجابتِ دعای آنان را ضمانت کردی

فَإِلَيْكَ يارَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي

پس اینک ای پروردگار من، تنها روی به‌سوی تو آوردم

وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي

و دستم را فقط به جانبِ تو دراز کردم

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعائِي

پس به عزّتت سوگند، که دعای مرا اجابت کن

وَبَلِّغْنِي مُنايَ

و مرا به آرزویم برسان

وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجائِي

و امیدم را از فضل خویش ناامید نکن

وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدائِي

و مرا از گزندِ دشمنانِ جن و انس، محافظت فرما

يَا سَرِيعَ الرِّضا

ای خدایی که زود خشنود و راضی می‌شوی

اغْفِرْ لِمَنْ لَايَمْلِكُ إِلّا الدُّعاءَ

ببخش بنده‌ای را که جز دعا چیزی ندارد

فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِما تَشَاءُ

که قطعاً تو هرچه را بخواهی انجام می‌دهی

يَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ

ای آن که نامش دواست

وَذِكْرُهُ شِفاءٌ

و ای آن که یادش شفاست

وَطَاعَتُهُ غِنىً

و ای کسی که فرمانبرداری از او، بی‌نیازی است

ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجاءُ

رحم کن بر کسی که سرمایه‌اش امید به توست

وَسِلاحُهُ الْبُكَاءُ

و سلاح او گریه و زاری است

يَا سَابِغَ النِّعَمِ

ای گستراننده نعمت‌های بسیار

يَا دَافِعَ النِّقَمِ

ای دور کنندهٔ بلاها

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ

ای روشنیِ تنهاییِ وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها

يَا عَالِماً لَايُعَلَّمُ

ای دانای ناآموخته

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و آل محمّد درود فرست

وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

و با من چنان رفتار کن که لایق حضرت توست

وَصَلَّى اللهُ عَلى رَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ الْمَيامِينَ مِنْ آلِهِ

و درود خدا بر فرستاده‌اش و بر امامان خجسته از خاندانش

وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً

و سلام فراوان بر ایشان باد.